

سید مرتضی آوینی

در آمدی بر زندگی و آثار مکتوب

سیدمرتضی آوینی

میترا احمد خمسه

کارشناس ارشد زبان و ادبیات پایداری، دبیر ادبیات منطقه ۴ تهران

چکیده

زنده نگه داشتن نثر ادبیات پایداری مدیون افرادی است که آن را پرورانده و به خود اختصاص داده‌اند. پس ضروری است با مطالعه زندگی و آثار این افراد، با آنها آشنا شویم و با بررسی و تأمل، از آنها الگو بگیریم و شیوه صحیح زندگی را بیاموزیم. سیدمرتضی آوینی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مکتب امام خمینی(ره) زانوی شاگردی به زمین زده و روح و جان خویش را پرورش داد. این مقاله کوشش دارد با معرفی زندگی شهید آوینی و گذری بر آثار مکتوب او، زمینه ارتباط دبیران با آثار این نویسنده منحصر به فرد را فراهم کند.

کلیدواژه‌ها: ادبیات پایداری، شهید آوینی، امام خمینی(ره)، آثار مکتوب

مقدمه

سیدمرتضی آوینی از جمله نویسندگان معاصر ادبیات پایداری است که در میان آثارش، کتاب گنجینه آسمانی «روایت فتح» زبانزد شده است. سادگی و روانی این کتاب و پاکیزگی کلام آن، بهره‌گیری نویسنده از عرفان و عناصر ادبی و نیز تسلط او بر قرآن و احادیث و... مرا بر آن داشت تا این نویسنده نه چندان آشنا را معرفی کنم. مؤلفان کتاب‌های درسی (ادبی) نیز به دلایل پیش گفته توجه ویژه‌ای به این

زندگی در تقابل با مرگ است که خودش را نشان می‌دهد»

سیدمرتضی آوینی (سایت شهید آوینی)

سیدمرتضی آوینی در ۲۰ شهریور ۱۳۲۶ در جوار معنوی حضرت عبدالعظیم حسنی - شهرری - به دنیا آمد. در خانواده‌ای متوسط و پرجمعیت، و در خانه‌ای چشم‌گشود و قد کشید که به قول خودش، «به هر سوراخش که سر می‌کردی به یک خانواده دیگر برمی‌خوردی» (سایت فرهنگی هنری شهید آوینی، زندگی آوینی از زبان خودش).

شیطنتهای کودکانه‌اش را در کوچه و پس‌کوچه‌های شهرری، پرسشگر و جویا، پشت سر گذاشت. سپس با خانواده، بنا بر شرایط کاری پدر - که کارمند معدن بود - به شهرستان خمین رفت.

در سال ۱۳۳۳ (ه.ش) کلاس اول ابتدایی را پشت سر گذاشت. دو سال بعد، به دلیل موقعیت شغلی آوینی بزرگ با خانواده از شهر خمین به زنجان رفت تا مرحله شهر مدرسه‌ای نبود و با همت و تلاش و پیگیری پدر او، دبستانی در آن شهر دایر شد تا مرتضی بتواند دوره ابتدایی را به پایان برساند (باشگاه خبرنگاران ۱۳۹۱/۱/۲۲).

«سال سوم ابتدایی چون معلم کم بود

نویسنده و کتاب داشته‌اند و در فصل ادبیات پایداری سال سوم راهنمایی (درس ۳) «روزهای به آسمان» و سال اول دبیرستان (درس ۹) «دریادلان صف‌شکن» را از او گنجانده‌اند. امید است در تغییرات کتب درسی از این اثر بی‌بدیل بیشتر استفاده شود.

بدون تردید، هدف مؤلفان از این کار، معرفی نمونه‌هایی از فصیح‌ترین نثرهای ادبیات پایداری است که دانش‌آموزان را با شیوه صحیح نویسندگی آشنا می‌سازند. نکته حائز اهمیت این است که به رغم امتیازات ویژه‌ای که این آثار داشته است، تاکنون نه کسی به معرفی شهید آوینی پرداخته و نه دلایل گیرایی این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است.

علاوه بر این، بسیاری از دانش‌آموزان و حتی همکاران فرهنگی از این نویسنده مستندساز، که به حق در حوزه ادبیات گمنام است، شناخت کافی ندارند. این مقاله می‌کوشد به معرفی شهید آوینی اقدام کند و در حد حوصله نشریه و با توجه به محدودیت‌های آن، آثارش را تبیین نماید.

زندگی‌نامه

«زنده‌ترین روزهای زندگی یک «مرد» آن روزهایی است که در مبارزه می‌گذراند و



را بزخم زیر بغلت و بفرستمت خانه.» البته وساطت یکی از معلمان کار را درست کرد و من فهمیدم که نباید وارد معقولات شد.» (سایت فرهنگی - هنری شهید آوینی)

«آقا سید دوره دبیرستان را هم در کرمان و در رشته ریاضی طی کرده و پشت سر گذاشت. سپس خدمت سربازی را در نیروی هوایی همراه با فعالیت هنری به پایان رساند. در سال ۱۳۴۴ وارد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد و دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد را در رشته معماری به پایان رساند.

در دوران دانشجویی نسبت به مسائل روز و هنر پیگیر بود؛ از کودکی با هنر انس داشت. شعر می‌سرود، داستان و مقاله می‌نوشت و نقاشی می‌کرد. تحصیلات دانشگاهی‌اش را نیز در رشته‌ای به انجام رساند که با طبع هنری او سازگار بود. البته آقا مرتضی بسیار تلاش می‌کرد که هر مسئله‌ای را در ارتباط با خودش دریافت کند و بهتر است بگوییم او در معماری و ادبیات به دنبال معنای واقعی هنر بود. در عین حال، به فلسفه و ادبیات نیز علاقه فراوان داشت. به گفته بسیاری از هم‌دوره‌های‌هایش، از جمله عطاالله امیدوار، هنرمند برجسته کشورمان، آوینی دارای نبوغ ویژه‌ای در فلسفه و ادبیات بود. او به نقاشی و شعر نیز گرایش کم‌نظیری داشت نقاشی هم می‌کشید و شعر نیز می‌سرود»

گذر زمان و تغییرات نشانه رشد انسان است و آوینی در هر مرحله‌ای، تغییری در باورهایش ایجاد شد که برایش آینده‌ای پر بار را به همراه آورد.

یکی از دوستان هم‌دانشگاهی آقا مرتضی، می‌گوید: «او یک دوره تجربه متفاوت با زمانه‌اش داشت؛ به قولی با زمانه‌اش پیش می‌رفت. آزمون و خطا می‌کرد یا جوانی! تا سال ۵۶ که به وادی عرفان و ادبیات عرفانی وارد شد و دیگر هیچ!» (باشگاه خبرنگاران، ۱۳۹۱/۱/۲۲).

خود آوینی می‌گوید: «تصور نکنید که من با زندگی به سبک و سیاق متظاهران به روشنفکری ناآشنا هستم، خیر. من از یک راه طی شده با شما حرف می‌زنم. من هم سال‌های سال در یکی از دانشگاه‌های هنری درس خوانده‌ام، به شب‌های شعر

در آن سال‌ها که انگلیس و فرانسه به اسرائیل کمک می‌کردند و به مصر نیز حمله کردند، بنده هم به‌عنوان یک پسر بچه ۱۳-۱۲ ساله تحت تأثیرات تبلیغات آن زمان کشورهای عربی، یک روز روی تخته نوشتیم: «خلیج عقبه از آن ملت عرب است.» وقتی زنگ کلاس را زدند و ما بچه‌ها سر جایمان نشستیم، اتفاقاً آقای مدیر آمد تا سری به کلاس بزند. وقتی این جمله را روی تخته سیاه دید، پرسید: «این را که نوشته است؟» صدا از کسی درنیامد من هم ساکت، اما با حالتی پریشان سر به زیر نشسته بودم. ناگهان یکی از بچه‌ها بلند شد و گفت: «اجازه آقا ما بگیم؟ این جمله را فلانی نوشته» و اسم مرا به آقای مدیر گفت. آقای مدیر هم کلی سروصدا کرد و خلاصه اینکه چرا وارد معقولات شدی، و در آخر گفت: «بیا دم دفتر تا پرونده‌ات

و تعداد دانش‌آموزان زیاد، معلم از سید مرتضی خواست تا به دانش‌آموزان کلاس اول و دوم درس بدهد و او شد معلم کوچولوی مدرسه!» (کاظمی، ۱۳۹۲: ۴۱).

انسان همیشه در فراز و نشیب‌ها ساخته می‌شود و سید با توجه به استعداد و همت پدر بزرگوارش توانست با تجارب دوران کودکی و نوجوانی، خود را برای آینده‌ای درخشان آماده سازد.

«درست در سال ۱۳۳۸ (ش.ه) مطابق با ۱۹۵۶ میلادی، در کلاس ششم ابتدایی،



و گالری‌های نقاشی رفته‌ام، موسیقی کلاسیک گوش داده‌ام، ساعت‌ها از وقتم را به مباحثات بیهوده دربارهٔ چیزهایی که نمی‌دانستم، گذرانده‌ام.

من هم سال‌ها با جلوه‌فروشی و تظاهر به دانایی بسیار زیسته‌ام، ریش پروفوسوری و سبیل نیچه‌ای گذاشته‌ام و کتاب «انسان موجود تک‌ساحتی» هریرت مارکوزه را بی‌آنکه خوانده باشم، طوری دستم گرفته‌ام که دیگران جلد آن را ببینند و پیش خودشان بگویند: «عجب! فلانی چه کتاب‌هایی می‌خواند؛ معلوم است که خیلی می‌فهمد»، اما خوشبختانه زندگی مرا به راهی کشانده است که ناچار شده‌ام رودربایستی را نخست با خودم و سپس با دیگران کنار بگذارم و عمیقاً بپذیرم که «تظاهر به دانایی» هرگز جایگزین «دانایی» نمی‌شود.

حتی از این بالاتر، دانایی نیز با تحصیل فلسفه حاصل نمی‌آید. باید در جست‌وجوی حقیقت بود و این متاعی است که هر کس به راستی طالبش باشد، آن را خواهد یافت و در نزد خویش نیز خواهد یافت... و حالا از یک راه طی شده با شما حرف می‌زنم» (پهنود، ۱۳۸۷: ۸۰).

آقا سید در زندگی‌نامه به زبان خودش می‌نویسد: «این جانب دارای فوق لیسانس معماری از دانشکدهٔ هنرهای زیبای دانشگاه تهران هستم اما کاری را که اکنون انجام می‌دهم نباید با تحصیلاتم مربوط دانست. حقیر هر چه آموخته‌ام از خارج دانشگاه است. بنده با یقین کامل می‌گویم که تخصص حقیقی در سایهٔ تعهد اسلامی به‌دست می‌آید و لاغیر.

قبل از انقلاب بنده فیلم نمی‌ساختم؛ اگرچه با سینما آشنایی داشتم. اشتغال اساسی حقیر پیش از انقلاب در ادبیات بوده است. اگر چه چیزی اعم از کتاب یا مقاله به چاپ نرسانده‌ام. با شروع انقلاب حقیر نوشته‌هایم را اعم از تراوشات فلسفی، داستان‌های کوتاه، اشعار و... در چند گونی ریختم و سوزاندم و تصمیم گرفتم دیگر چیزی که «حدیث نفس» باشد ننویسم و دیگر از خودم سخنی به میان نیاورم. هنر امروز متأسفانه حدیث نفس است

و هنرمندان متأسفانه گرفتار خودشان هستند. به فرمودهٔ خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی، رحمه‌الله:

«تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز» (دیوان حافظ، ۱۳۶۵، غ ۲۶۶)

سعی کردم که خودم را از میان بردارم تا هر چه هست خدا باشد و خدا را شکر بر این تصمیم وفادار مانده‌ام. البته آنچه انسان می‌نویسد، تراوشات درونی خود اوست: «همهٔ هنرها این چنین‌اند. کسی هم که فیلم می‌سازد اثر تراوشات درونی خود اوست، اما اگر انسان خود را در خدا فانی کند، آنگاه این خداست که در آثار ما جلوه‌گر می‌شود. حقیر این چنین ادعایی ندارم اما سعی‌ام بر این بوده است» (سرهنگی، ۱۳۸۷: ۸۱).

انسان اگر رشد صعودی داشته باشد انسان است و اگر درجا بزند و در تکامل روحی قرار نگیرد، نمی‌تواند با خدا شود و با خدا باشد. سیدمرتضی به مرحلهٔ انسان شدن رسید و روحش در کنار جسمش رشد کرد و خدایی شد.

«در سال ۵۷ پس از بازگشت امام خمینی (ره) از تبعید و پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران (آقا مرتضی) به فرمایشات رهبر کبیر به دقتی گوش می‌داد و به آرمان‌های امام و انقلاب به شدت گره خورد و راه حقیقی را یافت.» (خانم امینی، باشگاه خبرنگاران، ۱۳۹۱/۱/۲۲).

خانم مریم امینی، همسر شهید آوینی: «چند سال از انقلاب گذشته بود که مرتضی سیگارش را ترک کرد. دلیلی که برای این کار ذکر کرد، این بود: آقا امام زمان (عج) در همه حال ناظر بر اعمال و رفتار ما هستند؛ در این صورت من چطور می‌توانم در حضور ایشان سیگار بکشم؟» آوینی بعدها با اندیشه‌های امام آشنا شد و در سالیان بعد به یک انقلابی بدل شد و مسیر زندگی خود را تغییر داد» (سرهنگی، ۱۳۸۷: ۷۰).

«شهید آوینی فیلم‌سازی را در اوایل پیروزی انقلاب با ساختن چند مجموعه دربارهٔ غائلهٔ گنبد (مجموعهٔ شش روز در ترکمن صحرا)، سیل خوزستان و ظلم خوانین (مجموعهٔ مستند خان‌گزیده‌ها) آغاز کرد. با شروع کار در جهاد سازندگی،

سال ۱۳۵۸ به روستاها رفت تا برای خدا بیل بزند. بعدها ضرورت‌های موجود، رفته‌رفته او و دوستانش را به فیلم‌سازی، به جای جهاد سازندگی کشاند. در سال ۱۳۵۹ به‌عنوان نمایندهٔ جهاد سازندگی به تلویزیون رفت و در گروه جهاد سازندگی تلویزیون، که پیش از آن توسط کارکنان خود سازمان صدا و سیما تأسیس شده بود، به جای آن‌ها مشغول به کار شد.

نیت آن‌ها از شروع فیلم‌سازی در گروه جهاد این بود که نسبت به همهٔ وقایعی که برای انقلاب و نظام اسلامی پیش می‌آید، عکس‌العمل نشان دهند؛ مانند فیلم‌هایی که در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی ساخته بودند.» (سایت شهید آوینی)

«همان گروه بعدها مجموعهٔ «حقیقت» را ساختند که در واقع جزء اولین کارهای گروه جهاد به حساب می‌آمد. غائلهٔ خسرو، ناصر قشقایی که پیش آمد، گروه به فیروزآباد در مناطق درگیری رفتند و به‌سختی خود را از محاصرهٔ فیروزآباد نجات دادند. در واقع، اولین صحنه‌های جنگ را در آنجا یعنی جنگ با خوانین تجربه کردند و فیلم گرفتند.

گروه جهاد اولین گروهی بود که سریع بعد از شروع جنگ به جبهه رفت؛ در همان روزهای اول جنگ «حسین هاشمی» که فوق لیسانس سینما را از کانادا گرفته بود، به ایران آمد تا برای سازندگی کشورش در روستاها بیل بزند، اما تقدیر بر آن شد که بیل را کنار بگذارد و دوربین را بردارد و در قصر شیرین به همراه برادر جهادگرمان «محمد رضا صراطی» اسیر شود. نفر سوم در حالی که تیر به شانه‌اش خورده بود، از حلقهٔ محاصره گریخت و گروه بار دیگر تشکیل شد و در روزهای محاصرهٔ خرمشهر، که هنوز خونین‌شهر نشده بود، برای تهیهٔ فیلم وارد این شهر شدند» (سایت فرهنگی، هنری آوینی).

عشق به میهن و استقلال باعث می‌شود انسان دست از علایق خود بکشد و برای رسیدن به اهداف متعالی قدم در معبرهای عاشقی بگذارد. نه تنها سید مرتضی بلکه همهٔ شیفتگان عدالت قدم در این راه گذاشتند تا برای خدمت به کشور

جان‌فشانی کنند و چه عاشقانه در این مسیر پروانگان بسیاری پرکشیدند. «وقتی به خرمشهر رسیدیم هنوز خونین‌شهر نشده بود. شهر هنوز سرپا بود، اگرچه احساس نمی‌شد این حالت زیاد پردوام باشد و زیاد هم دوام نیاورد. ما به تهران بازگشتیم و شبانه‌روز پای میز موویلا کار کردیم تا اولین فیلم مستند جنگی درباره خرمشهر از تلویزیون پخش شد؛ فتح خون.

مجموعه یازده قسمتی «حقیقت» کار بعدی گروه محسوب می‌شد که یکی از اهداف آن ترسیم علل سقوط خرمشهر بود! یک هفته‌ای نگذشته بود که خرمشهر سقوط کرد و ما در جست‌وجوی «حقیقت» ماجرا به آبادان رفتیم که سخت در محاصره بود. تولید مجموعه حقیقت این‌گونه آغاز شد.» (سایت فرهنگی هنری شهید آوینی) «بچه‌های گروه جهاد مصمم شدند تا زنده‌اند کار فیلم‌سازی با جهاد را ادامه دهند؛ بنابراین، کار گروه جهاد در جبهه‌ها پایدار ماند و با شروع عملیات والفجر هشت، شکل کاملاً پیوسته‌ای به خود گرفت. آغاز تهیه مجموعه زیبا و ماندگار «روایت فتح» که بعد از این عملیات تا پایان جنگ به‌طور منظم از تلویزیون پخش شد، به همان ایام برمی‌گردد. شهید آوینی درباره انگیزه گروه جهاد در ساختن این مجموعه، که نزدیک به بیش از هفتاد برنامه است، چنین می‌گوید:

«انگیزش درونی هنرمندانی که در واحد تلویزیون جهاد سازندگی جمع آمده بودند، آن‌ها را به جبهه‌های دفاع مقدس می‌کشاند [نه] وظایف و تعهدات اداری...» (همان). «اولین شهیدی که دادیم، شهید علی طالبی بود که در عملیات طریق‌القدس به شهادت رسید و آخرین‌شان مهدی فلاح‌پور است که همین امسال ۱۳۷۱ در لبنان شهید شد و خوب، دیگر چیزی برای گفتن نمانده است؛ جز آنکه ما خسته نشده‌ایم و اگر باز جنگی پیش آید که پای انقلاب اسلامی در میان باشد، ما حاضریم. می‌دانید! زنده‌ترین روزهای زندگی یک «مرد» آن روزهایی است که در مبارزه می‌گذرانند و زندگی در تقابل مرگ است که

خودش را نشان می‌دهد.

اواخر سال ۱۳۷۰ مؤسسه فرهنگی «روایت فتح» به فرمان مقام معظم رهبری تأسیس شد تا به کار فیلم‌سازی مستند و سینمایی درباره دفاع مقدس بپردازد و تهیه مجموعه روایت فتح را، که بعد از پذیرش قطعنامه رها شده بود، ادامه دهد.

شهید آوینی و گروه فیلم‌برداران روایت فتح سفر به مناطق جنگی را از سرگرفتند و طی مدتی کمتر از یک سال، کار تهیه شش برنامه از مجموعه ده‌قسمتی «شهری در آسمان» را به پایان رساندند و مقدمات تهیه مجموعه‌های دیگری را درباره آبادان،

انسان اگر رشد صعودی داشته باشد انسان است و اگر درجا بزند و در تکامل روحی قرار نگیرد، نمی‌تواند با خدا شود و با خدا باشد. سیدمرتضی به مرحله انسان شدن رسید و روحش در کنار جسمش رشد کرد و خدایی شد

سوسنگرد، هویزه و فکه تدارک دیدند» (سایت شهید آوینی - همان).

«شهری در آسمان که به واقعه محاصره، سقوط و بازپس‌گیری خرمشهر می‌پرداخت، در ماه‌های آخر حیات زمینی آقا سید از تلویزیون پخش شد، اما برنامه وی برای تکمیل این مجموعه و ساختن مجموعه‌های دیگر با شهادتش در روز جمعه ۲۰ فروردین ۱۳۷۲ در میعادگاه فکه ناتمام ماند.

سیدمرتضی در مناطق جنگی با گروه تفحص نیز همراهی و همکاری داشت و شب قبل در معراج‌الشهدا تا صبح همدم عاشقان و معشوق الهی خود بود. او که سال‌ها شور حسینی و روح خلیفه الهی را با زمزمه عاشقانه‌اش در روایت فتح نجوا می‌کرد، به اصل خود رسید و با رضای الهی در آرامش

ابدی ماند. رهبر فرزانه انقلاب در تشییع پیکر شهید آوینی شرکت کرده و فرمودند: «از قول من به خانواده شهید آوینی تسلیت بگوئید؛ هر چند خود بزرگ‌ترین داغدار این مصیبت هستیم» (سایت فرهنگی هنری شهید آوینی. زندگی‌نامه شهید آوینی). یادش گرامی - قلمش سبز، هدفش پر رهرو باد

سال‌شمار زندگی سیدمرتضی آوینی

- ۱۳۲۶/۷/۲۰: زادروز - شهر ری
- ۱۳۳۳: ورود به مدرسه - اول ابتدایی
- ۱۳۳۸: ورود به سال ششم ابتدایی
- ۱۳۴۲: خدمت سربازی در نیروی هوایی
- ۱۳۴۴: ورود به دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران
- ۱۳۵۰: فارغ‌التحصیل از دانشگاه تهران - در دوره کارشناسی ارشد معماری
- ۱۳۵۷: آشنایی با مبانی فکری و شخصیت امام خمینی (ره)
- ۱۳۵۸: آغاز فعالیت در جهاد سازندگی
- ۱۳۶۱: ساختن فیلم مستند هفت قصه از بلوچستان، بشاگرد؛ از آغاز این سال فعالیت مطبوعاتی خود را آغاز کرد؛ از جمله نگارش مقالاتی در ماهنامه «اعتصام» و ساختن فیلم‌های مستند.
- ۱۳۶۷ - ۱۳۶۴: آغاز مرحله اول مجموعه مستند «روایت فتح» از عملیات خیبر تا عملیات مرصاد
- ۱۳۶۵: نویسندگی در قالب مجموعه مقالات تا پایان این سال ادامه داشت؛ تهیه مجموعه روایت فتح و نگارش متن آن
- ۱۳۶۶: نگارش کتاب فتح خون - روایت محرم
- ۱۳۶۷: تدریس در مجتمع دانشگاهی هنر به مدت یک ترم، نوشتن مجموعه مقالات سینمایی در ابعاد مختلف که در ماهنامه هنری سوره منتشر شد.
- ۱۳۷۲ - ۱۳۶۸: دوران اوج فعالیت مطبوعاتی
- ۱۳۶۹: جدا شدن از گروه جهاد تلویزیون و پیوستن به حوزه هنری به‌عنوان سردبیر (سوره مهر)

۱۶. ۱۳۷۰: آغاز مرحله دوم فعالیت مؤسسه فرهنگی روایت فتح در پی تأکید مقام معظم رهبری
 ۱۷. ۱۳۷۰: آموزش هنر و نقد فیلم و سینما بر مبنای اسلام به گروهی از طلاب مشتاق حوزه علمیه قم
 ۱۸. ۱۳۷۱: تولید فیلم مستند خنجر و شقایق (مستند ده‌قسمتی درباره جنگ مسلمانان بوسنی علیه متجاوزان صرب، محصول مشترک نادر طالب‌زاده و شهید آوینی)
 ۱۹. ۱۳۷۲/۱/۲۰: عروج ملکوتی سید اهل قلم در منطقه جنگی فکه

گذر و نظری بر آثار شهید مرتضی آوینی

شخصیت وجودی شهید آوینی با همه وجوه و ابعادی که داشت، بیش و کم در آثار برجای مانده‌اش متجلی است.

«آثار شهید آوینی را در یک دسته‌بندی کلی می‌توان بر سه قسم تقسیم کرد:

۱. نقد و بررسی آثار و جریان‌های هنری و ادبی؛ او در این‌گونه نوشته‌ها از مواضع آگاهی، دین‌داری و دردمندی سخن می‌گوید و در لابه‌لای مطالب، زوایای فکری‌اش را نیز ترسیم می‌کند.

۲. نوشته‌هایی که اغلب یا مستقیماً نمودی از آرا و آفاق فکری او هستند و نظریه‌پردازی در آن‌ها بارز و غالب است. مسئله مهمی که در این نوع نوشته‌ها وجود دارد، روش ارائه مباحث اوست که به شیوه مرسوم مؤلفان، مترجمان و تحلیلگران نیست و حتی گاهی به شیوه‌ای طعنه‌وار، از آن‌ها انتقاد می‌کند. می‌توان گفت: هم در مبانی فکری و آرای شخصی و هم در طراز طرح و شیوه ارائه آن‌ها، پیرو وضع جاری نیست. با این حال می‌توان شگرد او را تا حدودی با شیوه اهل فلسفه و حکمت، همانند دانست.

۳. دسته دیگر آثار مکتوب آوینی، نوشته‌های خلاق ادبی اوست؛ از قبیل گزارش‌ها، یادواره‌ها، قطعات ادبی و نثرهای ضمیمه روایت فتح. در همه این نوشته‌ها، ماده شعری حضوری پررنگ و جدی دارد و این نشانه و دلیل دل‌بستگی او به شعر به‌عنوان مصداق و معرف تام ادبیات است»

(کمری، ۱۳۸۷: ۱۱).

«این قسم از نوشته‌ها را از جهاتی می‌توان مورد دقت قرار داد، که در اینجا به چند جنبه آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف. هرچند آوینی قافیه‌اندیش نیست و به‌صورت کلام مجزا از معنا، دل‌بستگی ادیبانه (به معنی امروزی) ندارد، در کاربرد واژه‌ها و تعابیر تا حدی وسواس از خود نشان می‌دهد و به دلالت و معنی راستین (نه شایع) کلمات اهتمام جدی می‌ورزد.

ب. آنچه در نوشته‌های آوینی فراوان می‌توان یافت، نشان می‌دهد او به یک مشخصه زبانی دست‌یافته بود، این سبک مشخصه زبانی را از آن جهت که بیان فی‌ضمیر او نیز هست، می‌توان مورد توجه قرار داد.

در اینجا سبک صوری نوشتار آوینی صرفاً مراد اصلی من نیست، گرچه همین ویژگی با معیارهای نقد ادبی امروز، او را به‌عنوان یک نویسنده و حتی ادب‌شناس به ما معرفی می‌کند بلکه باید توجه داشت و او را یک متفکر دانست؛ زیرا زبان در معنای هستی‌شناسی و دقیق آن معرفت و نشان‌دهنده عیب و نقص آدمی است و زبان عین تفکر است.

ج. این تفکر را نمی‌توان از نوع خردورزی و عقل‌مندی و تعقل مجرد و حتی ارسطویی دانست. تصور من از نوع تفکر یا ماهیت اندیشه‌اش، همان است که در کلمات (حکمت) قابلیت فهم پیدا می‌کند. رسیدن به این منزلت و مرتبت، تنها با علم حصولی در مدرسه به‌دست نمی‌آید؛ نیازمند سلوک و مراقبه است و می‌دانم آوینی اهل این معانی بود؛ نماز شب، دعای سحر و ... به همین سبب رقت قلب عجیبی پیدا کرده بود» (کمری، ۱۳۸۷: ۱۲).

«این‌گونه است که در نوشته‌های او در جایی می‌بینیم که در دفاع از بدفهمی و اغراق بی‌وجه در معرفی حکیم طوس، فردوسی بزرگ که یکی از بزرگان ادب معاصر مرتکب شده و قرآن را با شاهنامه برابر دانسته بود، از موضع متألهانه غیرتمندانه خود، بر آن بزرگ خرده می‌گیرد. او شاهنامه را «صورت اسطوره‌ای حکمت معنوی ایرانی» می‌داند و حافظ را از «پاسداران عهد ازلی و تولیت

حقیقی این قوم» می‌خواند.

این اندیشه خاص فکری، حکمی که بر زبان آوینی جوشیده است و او را به‌عنوان نمونه عالی ادب انقلاب اسلامی به ما می‌شناساند در جاهایی به جوشش و فیض الهی می‌رسد، چون امام خمینی (ره) و جای دیگر به میدان دفاع از انقلاب اسلامی و شرح حال رزمندگان و آنچه متعلق به آن دوران و هنگامه شگفت است» (کمری، ۱۳۸۷: ۱۲).

«اینجاست که تا حدی بی‌قراری و شیفتگی آوینی آشکار می‌شود و به زبان گویا و محرم راوی فتح، زبان حال و ترجمان جان نه تنها رزمندگان، که جماد و نبات می‌شود و او از در و دیوار دوکوهه، آسمان خونین شهر و جای جای جبهه‌های جنگ آن چنان سخن می‌گوید که گویی «یوم تبلی السرائر» (طارق، ۱۳۹۱: ۹) را به چشم مکاشفه خود مشاهده کرد» (کمری، ۱۳۸۷: ۱۳).

«آوینی» را بخوانیم تا نوستالژی نشود

حسن رحیم‌پور ازغدی، گفت: «مرتضی آوینی به‌عنوان دیده‌بان نظری و تئوریک انقلاب، دو دهه پیش مطالبی نوشت که اگر همان موقع خوانده می‌شدند، بسیاری از اتفاقاتی که در دهه دوم و سوم انقلاب در کشور رخ داد، پیش نمی‌آمدند. در واقع آن زمان در کشور گفتمانی رایج بود و وی در مقالاتش درباره تسلط این گفتمان اخطار داده بود اما کسی این مطالب را نخواند. مراقب باشیم آوینی تبدیل به نوستالژی نشود» (۱۳۸۹). این استناد دانشگاه جهت‌گیری آوینی را نیاز امروز کشور دانست و گفت: «وی دو دهه پیش، تفکر پیشرو انقلاب پس از درگذشت امام خمینی (ره) را پیش‌بینی کرد که این نوع تفکر آوینی را به حاشیه راند. او در سال‌های پیش از شهادتش یک‌تنه به نقد مقالات و مجلات پرداخت» (۱۳۸۹).

رحیم‌پور ازغدی اضافه کرد: «آوینی روی میدان مین خطرناک‌تر از فکه راه می‌رفت. شما نگران قطع پای وی هستید، اما این قلم‌ها باید که می‌شکنند و به زمین گذاشته می‌شوند.» وی با اشاره به اهمیت کتاب

«حلزون‌های خانه‌به‌دوش» شامل مقالات شهید آوینی و بازخوانی مقاله «کدام عرفان؟» گفت: «شهید آوینی در این مقاله آورده، از کسی می‌گویند جوانانی که در مناطق عملیاتی جنگ، دست و پایشان قطع شد، عرفانی قدیمی دارند؟ از کی تا به حال معنای عرفان تغییر کرده است؟ تنها کسی که در تاریخ ایران به نتیجه رسیده و می‌گفت ما مأمور به تکلیفیم نه نتیجه، کسی نیست جز امام خمینی (ره)» (۱۳۸۹).

- چرا خواندن آثار «سیدمرتضی آوینی» برای فعالان فرهنگی جبهه انقلاب اسلامی ضروری است؟

«در پاسخ این پرسش به چندین مورد باید اشاره کرد: ۱. او کسی است که توانسته، معارف ناب اسلامی و جنبه‌های معنوی حرکت‌های انقلابی را در قالب هنر (متن، صدا و تصویر) ارائه کند و در این کار هم موفق بوده است. او الگوی کامل و تمام‌عیار از تجربه‌ای موفق در حوزه نویسندگی، مستندسازی و مطبوعات متعهد است.

۲. نگاه تمدنی و نقادانه‌ای که در برابر غرب در آثار او وجود دارد و تبیین جایگاه انقلاب اسلامی به‌عنوان آغازگر دوباره دوران شکوفایی تمدن اسلامی و مقابله تمام‌عیار آن با غرب و لوازمش و تزلزل تمدن غربی، بیش از هر زمان دیگر لازم و ضروری است. ۳. آثار او با رشد سطح فکری مخاطب، او را از مسائل جزئی عبور می‌دهد و به یک نظرگاه کل‌نگری می‌رساند و او را از انفعال به در می‌آورد و به یک مخاطب فعال تبدیل می‌کند.

۴. درباره ماهیت غرب و لوازم آن (فناوری، سینما، رمان و...) نگاهی عمیق به خواننده می‌دهد و به او کمک می‌کند که با شناخت ماهیت آن‌ها، از نگاه ابزاری رهایی یابد و بتواند مانند خود آوینی از آن‌ها در جهت مطلوب بهره‌بردارد.

همه دلایل بالا و خیلی جنبه‌های دیگری که پنهان است و با مطالعه کتاب‌های او کشف می‌شود، دنبال کردن و بررسی آثار را بر ما واجب و ضروری می‌کند که او به حق، «سید شهیدان اهل قلم» است» (از غدی، ۱۳۸۹).

متن‌های انتخاب شده در کتاب‌های درسی ادبیات فارسی در فصل ادبیات پایداری از کتاب گنجینه آسمانی شهید آوینی بود و در این جا به معرفی این کتاب می‌پردازیم.

کتاب گنجینه آسمانی «روایت فتح»

«از ما برمی‌آید که روایت فتح را به دیگران بشناسانیم؛ چرا که روایت فتح چنان شفاف و خالص است که خود دلیل خویشتن است و اکنون که چنین است، دیگر چیزها را باید با آن شناخت» (آوینی، ۱۳۷۱: ۱۵۴).

این کتاب از ۴۵۶ صفحه و هفت مجموعه - اولین مجموعه با عنوان «شب عاشورایی» و آخرین مجموعه «با من سخن بگو دوکوهه» می‌باشد - تشکیل شده است. آیات و روایات و تعبیر، تشبیه‌ها، استعارات و اعلام در انتهای کتاب آورده شده است.

«صدای لطیف و آرامش‌بخش راوی روایت فتح را یادتان هست؟ اگر مجذوب جملات و ادبیات به‌کار رفته در آن هستید می‌توانید با ورق زدن کتاب «گنجینه آسمانی» با آن‌ها دیداری تازه کنید. شهید آوینی قریب ۱۷۰ اثر مستند ساخته که ۶۳‌تای آن‌ها مجموعه روایت فتح است اما گنجینه آسمانی، که متن گفتار فیلم‌های مجموعه روایت فتح است، متن گفتارهای چند برنامه دیگر را نیز در خود دارد. این برنامه‌های مرتبط با جنگ از اواخر سال ۱۳۷۰ و پس از فرمان مقام معظم رهبری مبنی بر تأسیس مؤسسه فرهنگی روایت فتح، ساخته شدند و سیدمرتضی آوینی حین ساختن یکی از همین برنامه‌ها بود که در فک به شهادت رسید.

شاید اگر راوی روایت فتح هم در برنامه‌اش فقط به توصیف صحنه‌ها و بیان ارتباط آن‌ها با یکدیگر پرداخته بود، خواندن دوباره‌شان لطفی نداشت، اما این چنین نیست. راوی سعی می‌کند با ذکر ماهیت تاریخی اتفاقات و ارزش آن در جهت اقامه قسط و عدل در سراسر جهان، عمق تاریخی صحنه‌ها را ارائه کند و مخاطب خویش را همواره ناظر بر این اعماق نگاه دارد و با ذکر معانی اعتقادی اعمال و اتفاقات، همواره ارزش اعتقادی

ماجرای را به مخاطب خویش گوشزد کند. این کتاب شاید خوش‌خوان‌ترین و ساده‌ترین کتابی باشد که با نام سید شهیدان اهل قلم منتشر شده است.

گنجینه آسمانی، همه گفتارهای روایت فتح را از نخستین برنامه تا هنگام شهادت راوی فتح، دربر می‌گیرد. درباره گفتارهای روایت فتح، کیست که چیزی نداند یا صدای سیدمرتضی، از پس سال‌های جنگ در گوشش زنگ نزد؟ در کلمات این متون و در زیر و بم این عرفان سیال نهیب‌زننده، «آنی» هست که از اینجا و متعلق به خاک نیست. این «آن» چنان عیان و جلوه‌گر است که حتی آنان که در روزمرگی خویش غرقاند و جانشان چنگال‌ها در زمین زده است، هنگام گوش سپردن یا خواندن این گفتارها، نسیم بهشتی‌اش را بر روح خویش حس می‌کنند:

دل نشان شد سخنم تا تو قبولش کردی
آری! آری! سخن عشق نشانی دارد
(جعفریان، ۱۳۸۹: ۲۱)

بنابر آنچه گفته شد، می‌توان آوینی را یکی از مستندسازان هنرمند اهل ادبیات دانست که برای نسل جوان می‌تواند الگوی مناسبی باشد؛ چون خصوصیات معنوی و فرهنگی شهید، نوع تفکر و چگونگی تحولش باعث سعادت‌مند شدن و به رستگاری رسیدن او شد و آن به علت تفکر و خصوصیات بود که در طول حیات خود با تلاش و خودسازی به‌دست آورد.

شایسته است، کتابخانه مدارس و کتابخانه‌های عمومی در سطح شهر، از کتاب‌ها و منابع معتبر در رابطه با شهید آوینی و ادبیات دفاع مقدس (داستان، شعر، خاطره و...) بهره‌مند شوند.

نباید فراموش کرد متن نوشته کتاب گنجینه آسمانی بهترین رابط بین نسل دانش‌آموز و دوران دفاع مقدس است که باید در کتب درسی از آن بیشتر، بهتر و هدفمندتر استفاده کرد؛ چرا که متن ساده، روان و پرفراز و نشیب این کتاب روح و روان آدمی را با فضای آن دوران همراه، و از آنچه در آن زمان می‌گذرد آگاه می‌سازد.

ادامه مطلب در صفحه ۷۵